

هرگز در متون و کتب درسی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه این اوصاف

شهود باشد تا بتوان بر تحقق آنها در مقام عمل اطمینان یافت.

شاگردان و کسانی که با ایشان در ارتباط نزدیک و طولانی مدت

به سجایای اخلاقی، اوصاف مدیریتی و ویژگی های رفتاری پدر

دلسوزانه در کنار رهبر شهید، مشارکت در جلسات راهبردی و

ی و فرایندهای تصمیم‌گیری درون‌ساختاری نظام، از این بستر

و آگاهی، هرگز از سر سلطه‌جویی، قدرت‌طلبی یا دخالت‌گری

بریننه و کارکردی بود که در طول دهه‌ها و در بستر بحران‌ها و

شد و مسئولان کلیدی نظام شکل گرفته بود.

ادامه از صفحه قبل

۱.ناخشنودی دشمن؛

مهندسی معکوس در سنجش اصلاح‌بودن

در منطق سیاسی و مکتب مبارزاتی انقلاب اسلامی که از

سیره ائمه معصومین ^(علیهم‌السلام) و آموزه‌های قرآنی سرچشمه گرفته

است، واکنش دشمن نسبت به یک اقدام، یک شخص یا یک

جهت‌گیری راهبردی، خود می‌تواند نشانه‌ای روشن و قرینه‌ای

معتبر برای سنجش درستی و صواب‌بودن آن مسیر باشد.

این روش تحلیل که در ادبیات راهبردی از آن به «مهندسی معکوس» تعبیر می‌شود، به این معناست که اگر دشمن از

انتخاب فردی به‌شدت ناخشنود و خشمگین شد، می‌توان

به‌روشنی دریافت که آن انتخاب قطعاً به نفع نظام، در مسیر

عزت و استقلال کشور و مطابق با راهبردهای مقابله با سلطه

بوده است.

فارغ از اسناد محرمانه و اطلاعات درونی دشمن، تحلیل مواضع آشکار و پنهان نظام سلطه در قبال جمهوری اسلامی ایران، به‌روشنی گواهی می‌دهد که دشمنان این نظام، همواره به دنبال تضعیف پایه‌های اعتقادی، تغییر رویه‌های راهبردی و جایگزینی چهره‌هایی به‌دور از آرمان‌های انقلابی در رأس هرم قدرت بوده‌اند. آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به‌عنوان چهره‌ای که از کودکی و نوجوانی در متن انقلاب و در کنار پدر بزرگوار و مجاهد خویش زیسته و بر اصول و مبانی آن تأکید و پایبندی عملی داشته است، به‌یقین گزینه مطلوب و مناسب دشمنان نظام نبوده است.

شاهد روشن این مدعا، واکنش‌های خشم‌آلود، اظهارات تهدیدآمیز و مواضع تخریبی رسانه‌های معاند وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی در ساعات و روزهای نخست پس از اعلام انتخاب ایشان بود که به‌وضوح بیانگر ناخشنودی عمیق آن‌ها از این تصمیم هوشمندانه بود. همچنین، شواهد متعددی از حمایت و ابراز اعتماد گروه‌های مقاومت منطقه‌ای (از حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی فلسطین، جنبش حماس، انصارالله یمن و دیگر نیروهای محور مقاومت) نسبت به ایشان وجود دارند که در پیام‌ها، اعلامیه‌ها و تصاویر منتشرشده متجلی شده‌اند. این حمایت، به‌روشنی گواهی می‌دهد که ایشان به‌عنوان رهبری مورد اعتماد، استوار و انقلابی در جبهه مقاومت شناخته می‌شوند. امری که به‌یقین مایه خشم، نگرانی و ناخشنودی فراینده دشمنان و بدخواهان نظام است.

۲.ضرورت تداوم راهبردهای کلان در شرایط جنگی

با شهادت جانشوز و مظلومانه رهبری شهید، نظام جمهوری اسلامی در گریودار یک جنگ تمام‌عیار، همه‌جانبه و بی‌سابقه با انتلافی از دشمنان خارجی به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی و برخی دولت‌های مرتجع منطقه قرار گرفت. در چنین شرایط هولناک و سرنوشت‌سازی، تغییر ناگهانی، انقطاعی یا بنیادین در راهبردها، رویه‌ها و فرایندهای مدیریت جنگی، حتی اگر با انگیزه‌های اصلاحی یا بهینه‌سازی همراه باشد، می‌تواند به‌مثابه شکستن زنجیره فرماندهی، ایجاد خلأ در تصمیم‌گیری‌های راهبردی، سردرگمی نیروهای عمل‌کننده در جبهه‌ها و بروز

تبیین مفهوم «الهیات مقاومت»

در اندیشه رهبر شهید ﷺ بر اساس

نخستین پیام امام سیدمجتبی خامنه‌ای

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد کاشی‌زاده

دومین نشست از سلسله هم‌اندیشی‌های علمی با موضوع «میراث کلامی رهبر شهید^(علیه‌السلام)» به‌صورت حضوری و مجازی برگزار شد. این نشست که توسط گروه کلام اسلامی و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار گردید، با محوریت تبیین مبانی اعتقادی و عملی مقاومت، بستری برای گفت‌وگو پیرامون میراث ماندگار رهبر شهید فراهم آورد. به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در این نشست، حجت‌الاسلام والمسلمین محمد کاشی‌زاده، عضو هیئت علمی پژوهشگاه، با ارائه تحلیلی دقیق، به تبیین مفهوم «الهیات مقاومت» پرداخت و آن را در دو محور نظری و عملیاتی بازخوانی کرد.

بخش نخست به چپستی و پایه‌های نظری مقاومت در الهیات اجتماعی می‌پردازد و بخش دوم، این مبانی را بر بیانیه اول آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای تطبیق می‌دهد تا مدلی عملیاتی برای دیپلماسی مردمی ترسیم کند.

مقاومت زمانی که ذیل «الهیات اجتماعی» تعریف شود، انضمامی، عینی و عملیاتی می‌گردد. در این نگاه، هرچند تربیت و رشد فردی شرط لازم است؛ اما حیث مردمی و حرکات جمعی اصل قرار می‌گیرد. نتیجه سلبی توحید در عرصه اجتماعی، «نفی عبودیت غیرخدا» است؛ این همان مبنایی است که در نخستین نوشته‌های رهبر شهید^(علیه‌السلام) با عنوان «توحید، نفی عبودیت غیر خداست» منعکس شده است. ایشان در پاسخ به غایت حرکت خود می‌فرمودند: «می‌خواهیم توحید را حاکم کنیم؛ توحید هم به‌معنای نفی عبودیت غیر خدا.»

۴.نسبت توحید با لایه‌های اجتماعی(براساس کتاب‌طرح‌کلی)

با پیوند این اندیشه به نگاه جامعه‌پردازی رهبر شهید در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، مشخص می‌شود که «توحید، نفی طبقات اجتماعی است.» در برابر معبود یگانه، همه بنده‌اند و هیچ‌کس برتری ذاتی یا طبقاتی بر دیگری ندارد. عالی‌ترین منزلت در جامعه ایمانی متعلق به رسول است؛ اما مهم‌ترین ویژگی او نیز «عبد بودن» است (محمداً عبدهً ورسوله). با نفی مطلق عبودیت غیرخدا و رفع طبقه‌بندی‌های ظالمانه، مفهوم «ولایت» جایگزین می‌شود؛ پیوندی که مؤمنان را از طریق ولی الهی به خداوند متصل کرده و پیوستگی و انسجام واقعی اجتماعی ایجاد می‌کند.

• بخش دوم: هسته مرکزی و لایه‌های الهیات مقاومت

الهیات مقاومت پدیده‌ای تک‌بعدی نیست؛ بلکه منظومه‌ای ساختاریافته است که می‌توان آن را در سه لایه متداخل و پیوسته به هم (از مغز و هسته تا لایه‌های بیرونی و عملیاتی) تحلیل کرد:

۱. هسته مرکزی (رکن اعتقادی و درونی‌ترین لایه): ریشه و قلب این الهیات، «توحید» و «قیام لله» است. این بخش، موتور محرک و ضامن اخلاص و پایداری حرکت است که بدون آن، مقاومت معنای اسلامی و الهی خود را از دست می‌دهد.

۲.لایه میانی(از زبان عمومی و عام‌بشر): این لایه که بر‌گرد‌هسته توحیدی شکل می‌گیرد، بر «کرامت انسانی» و «عدالت‌خواهی» تمرکز دارد. این مفاهیم گرچه ذیل توحید قابل تفسیرند؛ اما کشتی عام و فرادینی دارند؛ به‌طوری‌که هر انسان آزاده‌ای در

دوست‌گی و تردید در میان کارگزاران ارشد نظام تلقی شود و هزینه‌های هنگفت و گاه جبران‌ناپذیری را بر کشور و نظام تحمیل کند.

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به‌دلیل آگاهی کامل، اشraf دقیق و درک عمیق از فرمول‌ها، ضابطه‌ها و راهبردهای کلان نظام در مواجهه با انواع و اقسام جبهه‌های جنگ اعم از جبهه‌های سخت‌افزاری و نظامی، جنگ نرم و رسانه‌ای، جنگ اقتصادی و تحریم و جنگ ترکیبی و امنیتی، این اطمینان و اعتماد راسخ را به خیرگان و مجموعه نظام انتقال دادند که «جهت‌گیری»، «نگاه» و «منطق» کلی نظام در مواجهه با دشمن، نه‌تنها تغییری نخواهد کرد، بلکه با قدرت، انسجام و صلابت بیشتری ادامه خواهد یافت و برنامه‌های بلندمدت، راهبردهای تدوین‌شده و تشکیلات منسجم جنگی با عزمی راسخ پیگیری خواهند شد.

این «تداوم راهبردی» و «انسجام فرماندهی» در برابر دشمنی که همواره به دنبال بهره‌برداری از هرگونه خلأ، انفصال، دودستگی و آشفتگی در صفوف داخلی ایران است، ضرورتی حیاتی، اصلی غیرقابل‌تخلف و الزامی عقلانی محض به‌شمار می‌آمد. به‌تعبیر دیگر، انتخاب ایشان در این برهه، نه یک انتخاب تشریفاتی یا ترجیحی، بلکه یک «الزام عقلایی ناشی از مقتضیات میدان نبرد» بود. شاید به‌همین دلیل بود که دشمنان از این انتخاب تا این اندازه ناخشنود و مأیوس شدند؛ زیرا با این انتخاب، نظام نه دچار تغییر رویه و نه سست شد؛ بلکه با رهبری جوان‌تر، باتجربه‌تر در حوزه مدیریت بحران و با انگیزه‌ای مضاعف، بر عزم راسخ خود برای تداوم راه شهیدان افزود.

درواقع، آنچه دشمنان را بیش از پیش به خشم آورد، این واقعیت بود که با شهادت خامنه‌ای پا به سن‌گذاشته، اداره نظام اسلامی با همان ملاک و محور لکن با راهبری و هدایت خامنه‌ای جوان‌تر، پرشورتر و با نشاط‌تر استمرار یافت و پرچم مبارزه با آنان در دست رهبری جوان و پرنشاط قرار گرفت.

۳.همسویی با نگاه امام راحل و امام شهید^(علیه‌السلام)

در ساده‌زیستی، زهد و درک مردم

امام راحل و امام شهید انقلاب، همواره بر ویژگی‌های اخلاقی ولایی چون «ساده‌زیستی» و «زهد» و «دوری از تجملات» به‌عنوان شاخص‌های اصلی، غیرقابل‌تخلف و بنیادین برای رهبری جامعه اسلامی و همچنین همه کارگزاران نظام تأکید



جهان، حتی اگر به خدا معتقد نباشد، بر اساس فطرت خویش ظلم را نفی کرده و طالب کرامت و عدالت است.

۳. لایه عملیاتی (پوسته بیرونی و ملموس): این لایه، مظهر عینی و اجتماعی دوا لایه قبل در صحنه تاریخ است که خود را در قالب «ایجاد همبستگی و پیوند میان مستضعفان جهان» نشان می‌دهد. هدف این لایه، بسیج آحاد جامعه و ملت‌های تحت ستم برای ایستادگی عملی در برابر مستکبران و جریان استعمار و استثمار است.

• بخش سوم: تطبیق الهیات مقاومت بر بیانیه اول آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای

این بیانیه تجلی عینی و اسناد راهبردی الهیات مقاومت در مقام عمل است که می‌توان آن را در ۷ محور کلیدی خلاصه کرد:

هسته مرکزی توحیدی: در جای‌جای متن بیانیه، اتکا به قدرت لایزال الهی و اخلاص برای خداوند به‌عنوان پشتیبان اصلی حرکت به‌وضوح مشهود است.

عنصر گوهرین ولایت: بیانیه با تأکید بر پیوند ولایی میان مؤمنان آغاز می‌شود. تصریح بر این واقعیت که مقصود از جانشینی، صرفاً شخص صادرکننده بیانیه نیست؛ بلکه تداوم‌بخشیدن به همان پیوند ولایی و «بعثت امتی» است که رهبر شهید^(علیه‌السلام) پیش‌تر بشارت آن را داده بودند.

وجه سلبی و مبارزه با استکبار: نفی حاکمیت غیرخدا با صراحت در قالب تقابل با «نظم ظالمانه جهانی»، ایستادگی بر شعار «نه شرقی، نه غربی» و نفی هرگونه سلطه‌پذیری تجلی یافته است.

هویت‌سازی و رسالت‌آفرینی: بیانیه با ترسیم یک بنیاد اخلاقی، برای همه ملت‌های تحت ستم الگوپردازی می‌کند. مخاطب با قرائت آن، هویت فردی منزوی را رها کرده و خود را امت صاحب رسالتی می‌یابد که باید راه رهبر شهید را ادامه دهد.

پیوند تربیت فردی و حرکت جمعی: هرچند مقاومت امری اجتماعی است؛ اما تحقق آن مشروط به ساختار تربیتی تک‌تک آحاد جامعه است. بیانیه صفاتی چون صبر، شجاعت و

داشتند. ایشان با صراحت و قاطعیت تمام معتقد بودند که هرچه رهبر و مسئولان نظام به توده‌های محروم، مستضعف و زحمتکش جامعه و به زندگی ساده، بی‌آلایش و بی‌ریای مردم نزدیک‌تر باشند، ارتباطشان با مردم عمیق‌تر، فهم‌شان از مشکلات واقعی جامعه دقیق‌تر و تأثیرگذاری‌شان بر قلوب و اذهان عمومی، گسترده‌تر و مؤثرتر خواهد بود.

آنچه دیدگاه راهبردی و عمیق امام راحل و امام شهید^(علیه‌السلام) را در این توصیه اساسی توجیه می‌کند، همراهی انقلاب و راهبران آن با توده مردم در نظام اسلامی است. طبعاً در نظر نگرفتن این ملاک، به‌مرور زمان می‌تواند به یکی از عوامل اصلی انحراف اهداف متعالی انقلاب، فاصله‌گرفتن از عدالت اجتماعی و از دست‌رفتن سرمایه عظیم اعتماد عمومی بینجامد.

آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به گواهی سیره عملی، سابقه زندگی و رفتار مستمر و بی‌آلایش خود، سال‌های متمادی و با وجود حضور در متن قدرت، دسترسی به امکانات و جایگاه اجتماعی والا، از هرگونه تجمل، اشرافی‌گری و دوری از مردم پرهیز کرده‌اند. ایشان با «آگاهی زیسته» از زندگی معمولی و دشواری‌های مردم (که نمونه‌های آن را می‌توان در رفتارهایی ساده، اما معنادار مانند ایستادن در صف نانویی، استفاده از حمل و نقل عمومی، حضور بی‌تشریفات در مجالس عمومی و نشست‌های مردمی مشاهده کرد)، به یکی از بزرگ‌ترین و ارزشمندترین مزیت‌های معرفتی و شناختی دست یافته‌اند. این نوع زندگی و رویکرد، پادزهری قوی و کارآمد در برابر «توهم دانایی از راه دور» است که دامن‌گیر بسیاری از نخبگان، مدیران و کارگزاران سیاسی می‌شود و آنان را از درک صحیح، عینی و همه‌جانبه واقعیت‌های میدانی جامعه محروم می‌سازد و تصمیمات آنان را از بستر واقعی حیات اجتماعی دور می‌کند.

بدین‌ترتیب، انتخاب ایشان، گامی راسخ و عملی در مسیر تحقق همان معیارهای بنیادینی(ساده‌زیستی، زهد، درک عمیق از مردم و زندگی در میان ایشان) بود که امام راحل و امام شهید^(علیه‌السلام) برای یک رهبر تراز انقلاب اسلامی ضروری می‌دانستند. این ویژگی، در کنار سایر امتیازات، تصویر جامعی از رهبری ارائه داد که نه‌تنها در علم و عمل، بلکه در سبک زندگی و منش اخلاقی نیز الگویی تمام‌عیار برای جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

قاطعیت را به آحاد جامعه ارجاع می‌دهد تا از مقاومت فردی، مقاومت مستحکم جمعی حاصل شود.

نفی تبعیض و توجه به محرومان: تأکید بر جایگاه «پارهنگان و محرومان» و پیوند وفاداری آنان با آرمان عدالت‌خواهی، نشان‌دهنده جهت‌گیری ضد رفاه‌طلبی بیانیه است.

رسالت تبیینی و اصلاح تصویر مقاومت: در ادبیات رسانه‌ای جهان، مستکبران تلاش می‌کنند ملت‌های مقاوم را انسان‌هایی «لجوج، سرسخت و غیرتعامل‌گرا» نشان دهند. این بیانیه با طرح مفاهیمی چون «دفاع از حق استقلال»، «صلح‌طلبی عزتمندانه» و «مقابله با تسلیم‌طلبی» وجهه مثبت، عقلانی و ایجابی مقاومت را برجسته می‌کند؛ ما لجباز نیستیم؛ بلکه پایبند به یک اندیشه والاییم.

• بخش چهارم: بیانیه به‌مثابه

الگویی برای دیپلماسی مردمی

این بیانیه قابلیت بالایی برای تبدیل‌شدن به یک مدل ساختاریافته در عرصه بین‌الملل و دیپلماسی مردمی دارد؛ چراکه مخاطب خود را عام و فراتر از جهان اسلام تعریف می‌کند و با به‌کارگیری کلیدواژه‌های عمومی‌سازی چون استکبارستیزی، عدالت‌خواهی و دفاع از حقوق پارهنگان، زمینه‌گفتمان‌سازی جهانی را فراهم می‌آورد.

بر اساس مفاهیم این سند، ساختار پیشنهادی برای دیپلماسی مردمی را می‌توان در قالب یک سیر منطقی و چهارمرحله‌ای به شرح زیر تبیین کرد:

۱.ریشه‌ومبداً حرکت(هسته مرکزی):پیام اولیه و بنیادین این الگو، بر مبنای «توحید و نفی عبودیت غیر خدا» استوار است. این لایه، روح حاکم بر تمام فعالیت‌های بین‌المللی است که جهت‌گیری الهی نظام مقاومت را مشخص می‌سازد.

۲. زبان و ابزار تفاهم جهانی (لایه میانی): برای برقراری ارتباط با دنیا، بیانیه از مفاهیمی بهره می‌گیرد که فراتر از فضای صرفاً اسلامی، برای کل بشریت قابل فهم و پذیرش باشد. این زبان عمومی، همان تأکید بر «کرامت ذاتی انسان‌ها و تحقق عدالت اجتماعی» است که می‌تواند ملل مختلف را پیرامون یک آرمان مشترک جمع کند.

۳. ابزار و شیوه اقدام (لایه عملیاتی): در مقام عمل، این دیپلماسی به دنبال «ایجاد پیوند، هم‌افزایی و همبستگی میان تمامی مستضعفان جهان» است. این مرحله در واقع بستر سازمانی و عملیاتی حرکت است که از طریق تبادل تجربه ایستادگی میان گروه‌های تحت ستم محقق می‌شود.

۴. چشم‌انداز و غایت حرکت (افق نهایی): هدف غایی این الگوی دیپلماسی، «گفتمان‌سازی عمومی و همه‌جانبه در سطح جهان برای مقابله با استکبار ملل» است؛ به‌گونه‌ای که ملت‌ها به یک خودآگاهی جمعی برسند و در برابر نظم ظالمانه بین‌المللی پایداری کنند.

• نتیجه‌گیری

الهیات مقاومت در اندیشه رهبر شهید، منظومه‌ای منسجم است که از «توحید اجتماعی» آغاز شده، از مجرای «ولایت و نفی طبقات» عبور می‌کند و در نهایت در قالب «دیپلماسی مردمی» و همبستگی مستضعفان جهان، افق بین‌المللی می‌یابد. بیانیه اول آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، امتداد عینی و سند راهبردی این الهیات کلامی در عصر حاضر است که لزوم بازخوانی و بسط تنوریک آن در مجامع علمی بیش از پیش احساس می‌شود.

